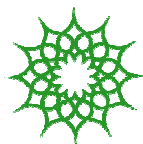


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی

سیر آفاق و انفسی در تصوف و عرفان از ابتدا تا قرن نهم

استاد راهنما
دکتر زهرا پارساپور

استاد مشاور اول
دکتر روح الله هادی

استاد مشاور دوم
دکتر تقی پورنامداریان

پژوهشگر

آزاده مولایی

بهمن ماه 1391

سپاس‌گزاری

لازم می‌دانم از تمام کسانی که در طول این مسیر دشوار اینجانب را همراهی و پشتیبانی کردند ، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم . سرکار خانم دکتر پارساپور که با صبر و متانت مثال‌زدنی راهنمایی این رساله را بر عهده داشتند . جناب آقای دکتر هادی که برای تهیه منابع کمیاب زحمات زیادی را متحمل شدند و راهنمایی‌های دلسوزانه‌شان را از من دریغ نداشتند ، جناب آقای دکتر پورنامداریان که رایزنی رساله را بر عهده داشتند و بسیاری از منابع کلیدی و دست اول مورد نیاز را به اینجانب معرفی کردند ، پدر و خواهر عزیزم که بارها و بارها برای تهیه و فرستادن منابع مورد نیاز ، بار زحمات من را به دوش کشیدند ، مادر عزیزم که گرمی نفس‌ها و عطر دعایش در لابلای سطور این رساله پیچیده است و همسرم که در طول این مدت صمیمانه در مراحل مختلف تحقیق همراهیم کرد و با دلگرمی‌هایش دلهره و نگرانی را از وجودم زدود . از درگاه خداوند منان سلامتی و طول عمر برای تمامی این عزیزان و توفیق سربلندی در مسیر تحقیق و پژوهش برای خود خواستارم .

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

که باغبانان مهربان نهال اندیشه ام بودند

و

بارزجاتم را صبورانه بردوش کشیدند

چکیده

سفر چه از نوع ظاهری و بیرونی آن و چه از نوع باطنی و درونی‌اش، همواره یکی از موضوعات مطرح در عرفان و تصوف بوده است. بسیاری از چهره‌های نامدار تصوف، سیر آفاق و انفس را با یکدیگر آمیخته‌اند و از سفر ظاهری به عنوان مقدمه‌ای بر سیر درون بهره جسته‌اند. برخی از آنان تا پایان عمر هرگز در جایی سکونت نگزیدند و حتی شاگردان خود را نیز به سفر توصیه می‌کردند. از سوی دیگر در بیشتر امهات کتب تصوف، بخش یا بخش‌هایی به سفر ظاهری و بیان آداب و شرایط آن اختصاص یافته است. این نکات نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خاص سفر در عرفان و تصوف است. به دلیل همین جایگاه خاص است که این تحقیق را به بررسی سیر آفاق و انفس در تصوف از ابتدا تا قرن نهم اختصاص دادیم. برخی از مهم‌ترین اهداف این تحقیق عبارتند از: 1. بررسی کارکردها، فواید، آداب، شرایط و جنبه‌های مختلف سفر ظاهری در میان اهل تصوف 2. بررسی انواع سفرهای ظاهری صوفیان 3. بررسی حلقه پیوند و ارتباط میان سیر آفاق و انفس در تصوف 4. بررسی مراتب سلوک نفسانی و حالات و مقامات طریقت 5. بررسی ساختاری و محتوایی آثاری که از سفر ظاهری برای تبیین مراتب سلوک نفسانی بهره جسته‌اند

برای انجام این تحقیق از روش تحقیق کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین ترتیب که بعد از مطالعه و فیش‌برداری تمام مطالبی که در منابع عرفانی به شکل مستقیم و غیر مستقیم به موضوع سیر آفاق و انفس مربوط می‌شدند؛ به دسته‌بندی موضوعات مطرح شده در آن پرداختیم و آنها را در دو بخش کلی سیر آفاق و انفس مطرح نمودیم و در هر موضوع تلاش کردیم که تحلیل و بررسی دقیقی درباره مطالب گردآوری شده صورت گیرد.

برخی از نتایج به دست آمده در جریان این تحقیق عبارتند از: 1. مهم‌ترین کارکرد سفر ظاهری در میان صوفیان تربیت نفس و تهذیب و تزکیه آن بوده است 2. سفر ظاهری مقدمه‌ای برای سفر درونی و شناخت سالک از خویشتن خویش جهت ارتقاء نفسانی به بالاترین مرتبه آن بوده است 3. پس از دست یافتن به مرتبه نفس مطمئنه است که دل صوفی مدرک حقایق عالم معنا می‌گردد و ملکوت آسمان و زمین در برابر دیدگان او آشکار می‌شود.

کلید واژه‌ها: سیر آفاق، سیر انفس، سفر، سفر بیرونی، سفر درونی، سفرنامه‌های عرفانی

فهرست مطالب

پیشگفتار 1

فصل اول : کلیات

1. تعریف مسئله و ضرورت انجام پژوهش 6

2. پرسش‌های پژوهش 9

3. فرضیه‌های پژوهش 9

4. پیشینه‌های پژوهش 11

5. روش پژوهش 14

فصل دوم : پیش درآمد

1. تعریف سیر آفاق 17

2. پیشینه‌های سیر آفاق در ادیان پیش از اسلام 19

3. سرچشمه‌های سیر آفاق در قرآن و منابع اسلامی 24

فصل سوم : سیر آفاق

بخش اول : کارکردها و فواید سیر آفاق در میان صوفیان

1. آشنایی با حقیقت وجودی انسان 31

2. جستجوی معشوق و پراکندن نام و یاد او بر روی زمین 32

3. تهذیب و تزکیه نفس 33

4. تمرین صبر 37

بخش دوم : انواع سفرهای صوفیان

1. انواع سفرهای صوفیان از دیدگاه مقصد مکانی 38

2. انواع سفرهای صوفیان از دیدگاه هدف 42

3. جمع‌بندی و تحلیل 73

بخش سوم : آداب سفر صوفیان

1. کسب اجازه از پدر و مادر 74

2. کسب اجازه از شیخ 77

3. وداع با دوستان و یاران 78

4. آغاز سفر در بامداد دوشنبه یا پنجشنبه به تبعیت از سنت رسول (ص) 79

5. ادای نماز پیش از آغاز سفر و به هنگام ترک هر منزل 80

6. ادای کامل و به موقع واجبات شرعی 82

7. عبادت و ذکر در طول سفر 83

8. حفظ طهارت 86

9. ترجیح سفر گروهی 87

10. انتخاب امیری از میان همسفران 90

11. حسن خلق و موافقت رفیقان 92

12. رفق و مدارا با ستور 93

بخش چهارم : ماجراهای سفر صوفیان

1. دیدار با خضر 95

2. مواجهه با حیوانات 99

3. مواجهه با کرامات اولیا 103

4. برخورداری از امدادهای غیبی 105

5. مواجهه با افراد بی نام و نشان و کسب نکته‌های تربیتی 107

6. گرفتاری و اسارت 108

7. مواجهه با دزدان و حرامیان 110

8. همراهی با مسیحیان و ترسایان 110

بخش پنجم : خانقاه‌ها و نقش آنها در سیر آفاق

1. تاریخچه‌ی خانقاه‌ها 114

2. آداب خانقاه‌ها 121

3. منابع درآمد و اقتصاد خانقاه‌ها 124

بخش ششم : صوفیان سیاح

1. معرفی صوفیان سیاح 126

2. جمع‌بندی و تحلیل 183

بخش هفتم : صوفیان مخالف با سیر آفاق

1. معرفی و بیان دیدگاه‌ها 186

فصل چهارم : سیر انفس

بخش اول : تعریف سیر انفس

1. معنای اصطلاحی آفاق و انفس در عرفان 193

2. شرایط و ملزومات سلوک نفسانی 196

بخش دوم : حالات و مقامات

1. در بیان حال و مقام و تفاوت آنها 198

2. مقامات سلوک از دیدگاه شقیق بلخی 200

3. مقامات سلوک از دیدگاه هجویری 203

4. مقامات سلوک از دیدگاه ابوعبدالرحمن سلمی 205

5. مقامات سلوک از دیدگاه عطار نیشابوری 208

6. مقامات سلوک از دیدگاه عزالدین محمود کاشانی 210

7. مقامات سلوک از دیدگاه باخرزی 213

8. مقامات سلوک از دیدگاه ابوسعید ابوالخیر 214
9. مقامات سلوک از دیدگاه خواجه عبدالله انصاری 221
10. مقامات سلوک از دیدگاه روزبهان بقلی 252
11. جمع‌بندی و تحلیل 256

بخش سوم : معراج و سیر در افلاک

1. سیر در افلاک و مکاشفات 257
2. پیشینه سیر در افلاک در منابع پیش از اسلام 259
3. معراج پیامبر اکرم (ص) 260
4. معراج بایزید 265
5. روایاتی از معراج دیگر عرفا 267
6. سیر در عالم مثال 268

بخش چهارم : سفرنامه‌های تمثیلی

1. استفاده از رمز و تمثیل در بیان تجارب عرفانی 271
2. مثنوی‌های چهارگانه عطار و بررسی مقایسه‌ای منطق‌الطیر با رساله الطیر ابن سینا و غزالی 272
3. داستان غربت غربی 283
4. منظومه مصباح الارواح 284
5. سیر العباد الی المعاد 287
6. جمع‌بندی و تحلیل 290

فصل پنجم : جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

1. جمع‌بندی داده‌ها و نتایج به دست آمده 292
2. چالش‌های تحقیق 299
- فهرست منابع و مآخذ 300

پیشگفتار

تصوف سفری است از پایین‌ترین مراتب نفسانی تا بالاترین آن. صوفی در واقع سالکی است که در هر قدم از مراحل سلوک، گامی از خویشتن خویش و خودبینی جدا می‌شود و به من برتر یا جان الهی خود، نزدیک‌تر می‌گردد. انسان در تعبیر دینی، نسخه و نمودار جهان هستی است. به طوریکه هر آنچه که در عالم هستی وجود دارد، در وجود انسان نیز نهفته است. در نظر گرفتن جهان هستی به عنوان عالم کبیر و وجود انسان به عنوان عالم صغیر، راز پیوستگی تصوف با سفر و سیر را آشکار می‌سازد. تصوف به انسان یاری می‌کند تا در درون خویش سفر کند و خود را بشناسد. آنگاه با غلبه بر موانع و پستی و بلندی‌های درون، به جایگاه حقیقی خویش در عالم هستی دست یابد. سیر در عالم کبیر و سفر بیرونی نیز که بسیاری از صوفیان بدان التزام داشته‌اند در واقع جلوه‌ی ظاهری این سفر درونی است؛ گردنه‌ها و راه‌های صعب‌العبوری باید پشت سر گذاشته شود تا در نهایت سالک به آرزوی دیرینه‌ی خود که همان پیوستن به پاکی و حقیقت مطلق است؛ دست یابد.

بر این اساس، از زمان پیدایش تصوف این اصطلاح همواره با سفر، سیر و سلوک و طی طریق، آمیخته و عجین بوده است. در شرح احوال و سرگذشت بسیاری از بزرگان تصوف این سیر و سفر درونی با سیر در آفاق و عالم بیرون نیز همراه گشته است. از سوی دیگر، سفر ظاهری با ویژگی‌های خاص خود، سالک را در کوره‌ی سختی‌ها و مشقات آبدیده می‌کند و زمینه‌ی سفر درونی را برای وی مهیا می‌ساخت. در واقع، ریاضت و سختی‌های فراوانی که سالک در جریان این سفرها — البته با رعایت آداب و شرایط خاص — تجربه می‌کند و آگاهی یافتن از نقاط قوت و ضعف روح، او را برای سفر دشوار درون و تاب آوردن در برابر سختی‌های راه و وسوسه‌های نفسانی و شیطانی آماده می‌ساخت.

با توجه به اهمیت و جایگاه خاص این سفرها در تصوف است که اولین فصل این رساله تحت عنوان «سیر آفاق» را به بررسی آن اختصاص داده‌ایم. در بخش‌های ابتدایی این فصل ابتدا به تبیین مسئله سیر آفاق در تصوف پرداخته‌ایم و اینکه مقصود از سیر آفاق در میان اهل تصوف چه بوده است؟ چرا صوفیان به سفر و سیر آفاق می‌پرداختند؟ چرا برای سیر آفاق تا این حد ارزش قائل بوده‌اند و سیر آفاق چگونه آنان را برای سفر و سیر درونی آماده می‌ساخت؟

در منابع تصوف، برخی سفرها به برخی دیگر ترجیح داده شده است و سالک از انجام برخی سفرها منع شده است. به عنوان مثال بهترین سفرها، سفری است که به قصد زیارت خانه خدا، جهاد، زیارت بزرگان و مشایخ وقت و ... انجام شود، اما آیا تمام سفرهای ظاهری صوفیان را می‌توان از نمونه‌های سیر آفاق برشمرد؟ پاسخ این پرسش در بخشی تحت عنوان «انواع سفرهای صوفیان» آمده است.

در کتب تصوف با استناد به آیات قرآن، احادیث پیامبر گرامی اسلام (ص) و اقوال بزرگان و مشایخ صوفیه، آداب و شرایطی خاص برای سفر ذکر شده است. از نیت کردن و اذن خواستن از پیر گرفته تا نحوه سوار شدن بر مرکب، وسایل مورد نیاز، نحوه وارد شدن به شهرها و ده‌های جدید و خروج از آنها، طرز سلوک و رفتار با همسفران و ... تنها در صورت پایبندی به این آداب است که سفر، سالک را به حق نزدیک‌تر می‌کند و در غیر این صورت به غربت وی از حق و تباهی او منجر می‌شود. بخش مربوط به «آداب سفر» را به بررسی این موارد اختصاص داده‌ایم.

در میان روایات به جا مانده از سفر صوفیان در دوران مختلف ماجراهای جالب و شگفت‌انگیزی به چشم می‌خورد. از دیدار با خضر گرفته تا افتادن در چاه و گرفتاری به دست دزدان و حرامیان. بخش مربوط به «ماجراهای سفر» به بررسی و دسته‌بندی این ماجراها و رویدادها اختصاص دارد که خوانندگان را با فضای کلی و شرایط سفر در دوران مورد بحث آشنا خواهد ساخت.

به علاوه با توجه به اهمیت و نقش «خانقاه‌ها» در بحث سفر، بخشی را نیز به بررسی این نهادها، تاریخچه آنها، نحوه اداره، کسب درآمد و آداب اقامت و ورود به آنها اختصاص داده‌ایم.

در دو بخش پایانی فصل اول نیز، با معرفی صوفیان موافق و مخالف سیر آفاق؛ به جمع‌بندی و تحلیلی نهایی بر اساس داده‌های موجود، پرداخته‌ایم.

فصل دوم رساله به بررسی سیر انفس اختصاص دارد. در اولین بخش این فصل، با استناد به روایات و اقوال صوفیان، به بررسی معنی لغوی و اصطلاحی سیر انفس پرداخته‌ایم.

دومین بخش این فصل ، به بررسی احوال و مقامات راه اختصاص دارد . در طریق وصول به حق و کمال حقیقی ، سالک باید مقاماتی را طی کند و حالاتی را که در درون او وارد می شود دریابد و از آنها بهره گیرد . در مورد تعداد دقیق این مقامات در امهات کتب صوفیه اختلاف نظر وجود دارد . بنابر مشهورترین روایات ، این مقامات هفت عدد هستند اما روایاتی نیز وجود دارد که بر وجود چهار ، پنج ، ده ، چهارده ، چهل ، صد و حتی هزار مقام نیز دلالت می کند . همچنین صوفیه در مورد برخی اصطلاحات و اینکه آیا جزو احوال محسوب می شوند و یا مقامات اختلاف نظر دارند که این بخش از رساله به بررسی و نقل این موارد اختصاص دارد .

با طی مقامات و درک احوال است که سالک رفته رفته از مرتبه نفس اماره به مرتبه نفس مطمئنه ارتقا می یابد و دیده حقیقت بینش به نور حقیقت بینا می گردد . در این هنگام است که مرحله ای دیگر از سلوک آغاز می گردد که از آن تحت عنوان « سیر الی الله » یاد می کنند . در این مرحله است که جان سالک به مراتب عالم هستی آگاه می شود و به عروج و سیر در افلاک می پردازد . در جریان این عروج است که مشاهدات غریب و مکاشفات شگفت برای وی حاصل می شود که درک آنان تنها به وسیله دل سالک که مُدرک حقایق است میسر خواهد شد . سومین بخش از فصل دوم رساله به بررسی کیفیت و ماهیت این مکاشفات و مشاهدات از رهگذر ارائه نمونه هایی چند از آنها اختصاص دارد .

از آنجا که عروج و درک شگفتی ها و مراتب عالم هستی تجربه ای است مافوق بشری که از راه حواس و عقل انسانی قابل درک نمی باشد ، صوفیان برای انتقال این تجارب روحانی از زبان رمز و تمثیل استفاده می کنند . بخش پایانی این رساله به بررسی آن دسته از آثار تمثیلی و رمزی اختصاص دارد که سفر روح به عالم معنا و درک لذات روحانی آن عالم را در قالب داستان به تصویر کشیده اند . در برخی از این آثار همچون *منطق الطیر* عطار مقامات و منازل سالک برای وصول به حق باید پشت سر گذارد در قالب داستانی شیرین و نمادین گنجانده شده است . در برخی دیگر همچون *سیر العباد الی المعاد* سنایی سالک در جریان سفری خیالی به سیر در عالم معنی می پردازد و از احوال عالم هستی آگاه می گردد . در این بخش از رساله به بررسی این دسته از آثار و تحلیل ساختار روایی و بن مایه های آنان و چگونگی انطباق آنان با اصول و مبانی تصوف ، پرداخته ایم .

این رساله گامی است در جهت بررسی یکی از اصول لاینفک عرفان و تصوف که پیش از این بررسی دقیق و موشکافانه ای در مورد آن صورت نگرفته است . گستردگی دامنه تحقیق و مشکل دسترسی به منابع دست اول بارها و بارها مراحل تحقیق را با وقفه و تأخیر مواجه ساخت و تنوع زیاد مطالب ، دقت نظر خاصی را در تنظیم چارچوب کلی رساله طلب می کرد . با این حال به یاری

خداوند مَنان و به لطف پشتیبانی‌های دلسوزانهٔ استادان محترم ؛ سرانجام طرح کلی رساله به شکل کنونی درآمد . امید است که مورد قبول اهل فن و فرهیختگان این حوزه واقع شود .

فصل اول

کلیات

1. تعریف مساله و ضرورت انجام پژوهش

تصوف و عرفان بخش عمده‌ای از آثار ادبی و فرهنگی کشور ما را به خود اختصاص می‌دهند. عرفا و متصوفه همواره در میان مردم از احترام زیاد و حتی در برخی از دوره‌های تاریخی از نفوذ سیاسی بالایی برخوردار بوده‌اند. بیشتر بزرگان ادبی ایران که نام کشور ما را در طول تاریخ و در میان ملل مختلف جهان جاویدان ساخته‌اند از زمره عرفا و متصوفه محسوب می‌شوند. آثار بزرگانی همچون سنایی، عطار، مولوی و حافظ محققان و شرق شناسان برجسته دنیا را به خود مشغول داشته و مقالات و کتاب‌های متعددی به بررسی دقایق آثار و احوال این بزرگان اختصاص یافته است. بر این اساس هر تلاشی در جهت بررسی اصول، سنت‌ها و عقاید عرفانی گامی است در جهت شناخت بهتر و دقیق‌تر فرهنگ و تاریخ و ادبیات ایران زمین.

سفر ظاهری که از آن تحت عنوان «سیر آفاق» یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین آداب صوفیه محسوب می‌شود که نقش و کارکرد مهمی نیز در میان آنان داشته است. در بیشتر کتاب‌هایی که با هدف تبیین مبانی تصوف نگاشته شده، فصلی به سفر و آداب آن اختصاص یافته است. شماری از پیران و مشایخ بزرگ صوفیه همواره مریدان خود را به سیر در آفاق و سفر در عالم بیرون فرا می‌خواندند. ریاضت و سختی‌های فراوانی که سالک مبتدی در جریان این سفرها – البته با رعایت آداب و شرایط خاص – تجربه می‌کرد و آگاهی یافتن از نقاط قوت و ضعف روح، او را برای سفر دشوار عالم درون و تاب آوردن در برابر سختی‌های راه و وسوسه‌های نفسانی و شیطانی آماده می‌ساخت. اهمیت این سفرها از دید صوفیه تا آنجا بود که بسیاری از اصطلاحات آن را همچون

منزل ، مقام ، رباط ، غریب و ... با معنای اصطلاحی خاص خود برای تبیین اصول و مبانی عرفان و تصوف نیز به کار می‌بردند .

سیر آفاق و سفر ظاهری علاوه بر اینکه صوفیان را برای تهذیب و تزکیه نفس و شناخت خویش یاری می‌رساند ، کارکردهای مختلف دیگری نیز از لحاظ سیاسی و اجتماعی داشت . به طوری که گسترش تصوف در حوزه‌های جغرافیایی مختلف ، مرهون همین سفرهای صوفیانه بود . خانقاه‌ها که در تثبیت و حفظ مبانی تصوف نقش بسیار مهمی را ایفا کردند در نتیجه مستقیم همین سفرهای ظاهری و بنا به نیازهای مختلفی که این سفرها ایجاد می‌کردند ، بنا شدند . ملاقات با صوفیان و مشایخ وقت و تشکیل جلسات درس و بحث نیز که حاصل همین رفت و آمدها و سفرها بود به رشد تصوف و تثبیت مبانی آن کمک شایانی کرد .

از سوی دیگر خود تصوف نیز به عنوان یک جریان و مشرب فکری ، همواره به سفر مانند شده و با تعبیری همچون « طریقت » و « سلوک » از آن یاد می‌شود ، که پس از آشنایی انسان با اصول و مقدمات شریعت ، می‌تواند او را در رسیدن به حقیقت مطلق و دست‌یابی به جایگاه حقیقی خود در جهان هستی یاری رساند . در حقیقت انسان از دیدگاه اهل تصوف ، مسافر است . مسافری که از عالم معنا به دنیای مادی فرستاده شده و در جریان این سفر نزولی رفته‌رفته خصوصیات و ویژگی‌های الهی خود را از دست داده و به ویژگی‌های عالم مادی آلوده شده است . اما آن نفخه الهی که در وجود انسان به ودیعه نهاده شده ، این قابلیت را به او می‌بخشد که دوباره این مسیر آمده را بازگردد و حتی در این دنیای مادی ، پیش از فرارسیدن مرگ ، طعم آن سعادت از دست رفته را بار دیگر بچشد .

این ممکن نیست مگر از طریق مبارزه با بعدی مادی و بخش تاریک وجود که با بعد الهی انسان در تضاد و تقابل قرار دارد . تصوف راه مبارزه با این بعد تاریک را به انسان آموزش می‌دهد و به او کمک می‌کند تا از راه مغلوب ساختن جنبه‌های مادی و دنیوی خویش ، آن جان الهی ضعیف و فرسوده در زندان مادی جهان را نیرویی تازه بخشد و بال‌های پرواز در عالم ملکوت را به او بازگرداند .

راهی که تصوف برای رسیدن به این هدف ، پیشنهاد می‌کند ، راهی است به ظاهر ساده و در حقیقت بسیار پیچیده و دشوار که در یک کلام عبارت است از شناخت خویشتن خویش . انسان از دیدگاه تصوف نسخه تمام و کمال عالم هستی است . جسم او نسخه‌ای است فشرده از تمام ظواهر عالم هستی و آن بعد نادیدنی او ، نسخه و نموداری از باطن و حقیقت جهان هستی است . بدین ترتیب چنانچه انسان نسبت به روح و جسم خود شناخت و احاطه کامل پیدا کند ، در مرحله بعد همین آگاهی را نسبت به جهان هستی نیز خواهد یافت .

راه دست‌یابی به چنین شناختی در وهله اول، دانش و تفکر است. دانش مقدماتی لازم برای آغاز این راه را شریعت در اختیار او قرار می‌دهد اما در مرحله بعدی این خود انسان است که بایستی سوار بر بال‌های تفکر و اندیشه در اولین گام و سپس از راه دل که درک‌کننده حقایق عالم معناست، این راه را به سرانجام برساند. اما این راه، راهی است بسیار دشوار با پیچیدگی‌ها و موانع شگفت. آغاز این راه پایین‌ترین مراتب نفسانی انسان است یعنی نفس اماره. مرتبه‌ای از نفس که همواره انسان را به راحت‌طلبی و کامجویی از لذت‌های دنیا فرامی‌خواند. تنها راه پشت سر گذاشتن این مرحله، مبارزه با هر نوع تمایلات و خواسته‌های جسمانی و مادی است به عبارت ساده‌تر «نه» گفتن به تمامی هوس‌ها و آرزوهای بشری. در تعبیر صوفیانه، نفس اماره، بدترین و بزرگترین دشمن انسان محسوب می‌شود که تنها راه خلاصی از آن رودرویی و جنگ با آن است. یکی از روش‌هایی که صوفیان برای ایجاد این میدان مبارزه و قرار دادن خود در مواجهه با نفس اماره استفاده می‌کردند، سفر ظاهری یا سیر آفاق بود. بر خلاف دنیای امروز که سفر معمولاً معادل تفریح و خوشگذرانی محسوب می‌شود، در دوران مورد بحث ما به دلیل محروم بودن بشر از امکانات امروزی، سفر بیش از آنکه لذت‌بخش باشد، مایه رنج و عذاب و سختی مسافران بود به خصوص اگر در مسافت‌های طولانی انجام می‌شد. بدین ترتیب صوفیان سفر را به عنوان یکی از موثرترین روش‌های رویارویی با نفس انتخاب می‌کردند و حتی با وضع آداب و شرایط خاص و همچنین محروم کردن خود از آن حداقل امکاناتی که مردم معمولی برای سفر در اختیار داشتند، شرایط را برای خود سخت‌تر هم می‌کردند.

با قرار گرفتن در چنین شرایط سختی بود که صوفی یا سالک با نقاط ضعف و قوت وجود خود، آشنا می‌شد و رفته‌رفته با برطرف کردن نقاط ضعف که ریشه در بعد مادی و جسمانی او داشت، خصلت‌های ناپسند و مذموم اخلاقی را تبدیل به صفات و ویژگی‌های پسندیده می‌کرد و مرحله به مرحله نفس را از مرتبه نفس اماره به مرتبه نفس مطمئنه ارتقا می‌داد. با رسیدن به مرتبه نفس مطمئنه، مرحله دیگری از سفر وی آغاز می‌شد که در کتب تصوف از آن به عنوان سیر الی الله تعبیر می‌شود. در این مرحله است که با باز شدن چشم دل یا دیده حقیقت‌بین، سالک سوار بر مرکب خیال به سیر در عالم افلاک و مراتب هستی می‌پردازد و با گذر از عالم ماده یا مغرب به عالم معنا یا مشرق وارد می‌شود و به درک لذات معنوی آن نائل می‌گردد.

اما این لذات از آنجا که از نوع تجارب معمول ما در دنیای مادی نیستند، به آسانی نیز قابل توصیف و درک نمی‌باشند. به همین دلیل است که صوفیان برای توصیف این تجارب روحانی از زبان رمز و تمثیل استفاده می‌کنند تا با بهره‌گیری از تعبیر قابل لمس برای انسان‌های معمولی، آنها را با این تجارب آشنا کرده به پشت سر گذاشتن این مسیر ترغیب نمایند.

به هر حال آنچه مسلم است سفر چه از نوع ظاهری و چه از نوع باطنی آن ، یکی از اصول لاینفک عرفان و تصوف محسوب می شود . در واقع سفر باطنی و سفر ظاهری را می توان دو روی یک سکه دانست که با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند و به نوعی لازم و ملزوم یکدیگرند .

2. پرسش های پژوهش

با توجه به اهمیت و جایگاه خاص سفر در تصوف است که این رساله را به بررسی جنبه های مختلف آن اختصاص داده ایم . برخی از پرسش های مطرح شده در این پژوهش عبارتند از :

1. اولین بار چه زمانی سفر ظاهری به عنوان یکی از سنت های اهل تصوف مطرح گشت ؟
2. سفر در تصوف از چه نظر حائز اهمیت است ؟
3. شرایط و آداب سفر در کتاب های صوفیه کدامند ؟
4. این آداب و شرایط چه ارتباطی با مبانی و اصول عرفان و تصوف دارند ؟
5. سیر و سفر نفسانی چه مراتبی دارد ؟
6. چه اختلاف نظرهایی میان صوفیه در مورد سلسله مراتب این سیر نفسانی وجود دارد ؟
7. صوفی چگونه و با رعایت چه اصول و شرایطی این مراتب را پشت سر می گذارد ؟
8. سفرنامه های عرفانی و معراجنامه ها در ادبیات ما کدامند ؟ هدف از تالیف این نوع سفرنامه ها چه بوده است ؟
9. بن مایه اصلی این سفرنامه ها چیست ؟
10. محتوا و ساختار این سفرنامه ها چگونه است ؟
11. چه تحقیق هایی در این زمینه انجام و چه نظریاتی ارائه شده است ؟

3. فرضیه های پژوهش

برخی از فرضیه های موجود بر اساس پرسش های مطرح شده عبارتند از :

1. به نظر می رسد که مبدا زمانی خاصی را برای رواج سفر به عنوان یکی از سنت ها و مستحسبات صوفیه نمی توان مشخص کرد و همزمان با پیدایش نخستین جرقه های گرایشات صوفیانه ، سیر و سفر نیز به شکل های مختلف و با اهداف و انگیزه های مختلف در بین زاهدان و صوفیان رواج یافته

است اما در کتب تصوف معمولاً به شکل رسمی از ابراهیم ادهم به عنوان اولین کسی که سیر آفاق و انفس را با یکدیگر تلفیق کرد، نام برده می‌شود .

2. به نظر می‌رسد که سیر آفاق آن دسته از سفرهای ظاهری هستند که آگاهانه برای تهذیب و تزکیهٔ نفس و ایجاد بستری مناسب برای مبارزه با خواسته‌های نفسانی انجام می‌شدند .

3. یکی از مهم‌ترین کارکردهای سفر در میان صوفیه ، ایجاد بستری مناسب برای مبارزه با نفس و خواسته‌ها و آرزوهای نفسانی است . با توجه به اینکه این سفرها با ریاضت‌های فراوان همراه بودند ، پرده از نقاط ضعف سالک بر می‌داشتند و او را به برطرف ساختن ضعف‌ها بر می‌انگیختند . بنابراین بهترین روش برای آماده کردن سالک برای طی مراحل سیر نفسانی محسوب می‌شدند . یکی از معانی سفر از لحاظ لغوی درخشیدن و هویدا ساختن است. سفر با آداب و شرایط خاص خود سالک را نسبت به عیوب نفس خویش آگاه می‌سازد و این آگاهی ، او را به اصلاح خویشتن ترغیب می‌کند .

4. در منابع مختلف تصوف انواع سفر را بر حسب مقاصد و اهداف مترتب بر آن رتبه‌بندی کرده‌اند . صوفیان مجاز به انجام هر نوع سفری نبودند و تنها سفرهایی که نتایج تربیتی خاص به دنبال شدند، برای آنها مجاز تلقی می‌شد .

5. تمام مراحل سفر دارای آداب و شرایطی است که در صورت عدم رعایت آنها سفر سالک را به اهداف مورد نظر خود نخواهند رساند . خروج سالک از موطن اصلی خود ، نحوهٔ طی طریق ، نحوهٔ سوار شدن بر مرکب ، وسایل مورد نیاز ، چگونگی و زمان ورود به شهرها ، چگونگی ورود به خانقاه و همه دارای آداب و شرایط خاصی در کتب صوفیه هستند . به نظر می‌رسد هر کدام از این آداب ، سالک را به نحوی از لحاظ روحی برای غلبه برای هواهای نفسانی خاص و جایگزین کردن آنها با صفات الهی و طی مراحل کمال نفسانی آماده می‌سازد.

6. به نظر می‌رسد که مقصود از سیر انفس در درجهٔ اول سیر در درون و شناخت مراتب نفسانی خویش و در درجهٔ بعدی سیر در باطن و ملکوت جهان هستی و شناخت آن باشد .

7. سالک در طی طریق برای وصول به حق مراحل و منازل را پشت سر می‌گذارد که در تصوف به نام مقامات شناخته می‌شوند . در مورد تعداد و کیفیت مقامات در میان صوفیه اختلاف نظر وجود دارد . برخی آنان را 7 منزل می‌دانند و برخی دیگر به وجود 40 منزل قائلند. به علاوه برخی از اصطلاحات در نزد برخی « مقام » و نزد برخی دیگر « حال » تلقی شده است . به نظر می‌رسد که تفاوت دیدگاه و شخصیت صوفیان مهم‌ترین عامل این اختلاف نظرها باشد .

8. برخی از سفرنامه‌های عرفانی در ادبیات ما عبارتند از : رساله‌های حی بن یقظان ، رسالهٔ الطیر و سلامان و ابدال ابن سینا ، معراج نامهٔ پیامبر اکرم (ص) ، منطق الطیر ، مصیبت نامه و الهی‌نامه عطار

، داستان مرغان احمد غزالی ، سیر العباد الی المعاد سنایی ، مصباح الارواح شمس‌الدین محمد بردسیری . این سفرنامه‌ها از یک سو به تبیین اصول عرفانی و مراتب سیر نفسانی و از سوی دیگر به ترسیم مراتب عالم هستی از دید عرفانی می پردازند . به نظر می‌رسد که هدف از تالیف این سفرنامه ها تبیین اصول عرفان و تصوف به شیوه ای ملموس و قابل دسترس برای عموم خوانندگان بوده است . علیرغم تفاوت‌های ظاهری که میان این آثار وجود دارد، از لحاظ چارچوب و ساختار دارای بخش‌های مشترکی هستند که کمابیش در همه آنها دیده می‌شود .

4. پیشینه‌های پژوهش

با وجود اهمیت و جایگاه خاص سفر در متون عرفانی و آداب تصوف و علی‌رغم پژوهش‌های گسترده‌ای که در مورد جنبه‌های مختلف عرفان و تصوف توسط محققان و ادیبان و دانشجویان این حوزه انجام شده است ؛ آن دسته از پژوهش‌هایی که به صورت خاص به موضوع سفر در عرفان و تصوف و بررسی جنبه‌ها و کارکردهای مختلف آن پرداخته باشند ، بسیار محدود و انگشت شمارند . این مسئله ضرورت تحقیق در این زمینه را دو چندان می‌کند .

بیشتر آثار پژوهشی که تاکنون در این زمینه تالیف شده‌اند ، به بررسی یکی از جوانب مختلف سفر در میان اهل تصوف پرداخته‌اند . به عنوان مثال ، میثم احمدی در مقاله‌ای تحت عنوان « سیر آفاق در مشرب متصوفه » که در تابستان 1389 در فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی به چاپ رسیده است ، به بررسی انواع سفرهای صوفیان و هدف آنها از انجام این سفرها پرداخته . وی در این تحقیق سفرهای ظاهری صوفیان را به بیست نوع تقسیم‌بندی کرده و به ارائه نمونه‌هایی برای هر کدام پرداخته است اما در این میان برخی از مواردی نیز که می‌توان به عنوان دلایل رواج سفر در میان صوفیان به شمار آورد نیز در میان انواع سفر گنجانده شده است . از نمونه این موارد می‌توان به سفر برای ریاضت نفس ، گریز از جاه و منصب و تجرد و ترک تعلقات اشاره کرد .

از دیگر پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته است می‌توان به پایان نامه کارشناسی ارشد نسیم صارمی با عنوان « اهمیت سیر آفاق و انفس در متون عرفانی منشور تا قرن نهم » اشاره کرد . این رساله تحصیلی که در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تبریز در سال 1390 تالیف شده است به بررسی سفر درونی و بیرونی بر اساس آثار منشور عرفان و تصوف پرداخته است .

پایان نامه کارشناسی ارشد سهیلا مظاهری با عنوان « نقد کهن الگویی سفر در آثار عطار » که در سال 1388 در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الزهرا (ع) انجام شده است نیز از دیگر

پژوهش‌هایی است که به موضوع سفر در تصوف و عرفان پرداخته است. نقد کهن الگویی از رویکردهای جدید نقد ادبی است که بر اساس آرای کارل گوستاو یونگ بنا شده است. در این نوع نقد به مطالعه و بررسی کهن الگوهای اثر می پردازند و نشان می دهند که چگونه ذهن شاعر و نویسنده، این آرکی تایپ‌ها را که محصول تجربه‌های مکرر بشر است و در ناخودآگاه جمعی بشر به ودیعه گذاشته شده جذب کرده و آن‌ها را به شیوه‌ای سمبلیک و تمثیلی به نمایش گذاشته است. در این رساله سفر به عنوان یک کهن الگو در مثنوی‌ها و غزلیات عطار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

از دیگر پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه پایان نامه کارشناسی ارشد عاطفه رضازاده قویدل دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز است که با عنوان «سفر در آداب صوفیه» در سال 1388 تالیف شده است و به بررسی آداب و رسوم سفر صوفیه در متون عرفانی از اواسط قرن چهارم تا اواسط قرن هشتم هجری اختصاص دارد.

پایان نامه کارشناسی ارشد منصوره برزگر کلورزی تحت عنوان «وادی‌های سلوک در چهار مثنوی عطار و مقایسه آن با سفرهای چهارگانه عرفا» که در سال 1389 در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبایی نگاشته شده است نیز به بررسی تطبیقی چهار مثنوی عطار با سفرهای چهارگانه عرفا اختصاص دارد و نتیجه حاصل از آن این است که منطق الطیر با سفر اول عرفانی، مصیبت نامه با سفر دوم، الهی نامه با تمه سفر دوم و اسرار نامه با سفر سوم قابل انطباق است و سفر چهارم را عطار در مثنوی‌هایش نیاورده است چرا که این سفر مخصوص کاملان راه سلوک است.

رساله دکتری فاطمه طاهری با عنوان «تحلیل و بررسی جایگاه سفر در متون عرفانی تا قرن هشتم» که در سال 1382 در دانشگاه اصفهان نگاشته شده از دیگر آثار پژوهشی تالیف شده در ارتباط با موضوع سفر در تصوف است. در این رساله سفر آفاقی و جایگاه آن در عرفان و متون عرفانی تا قرن هفتم هجری بررسی شده است و مباحثی چون آداب و اهداف سفر، نظر مشایخ درباره‌ی این گونه سفر و نتایج آن براساس این متون تبیین گشته است همچنین به بررسی سفر انفسی در متون عرفانی پرداخته و مباحثی نظیر سیر و سلوک، آداب، شرایط، منازل، لوازم و اهداف آن و همچنین مراحل و نتایج سیر و سلوک بررسی شده است.

از دیگر پایان نامه‌های تحصیلی در این مورد می‌توان به «تحلیل سفر در متون عرفانی» نوشته فاطمه طاهری (دانشگاه اصفهان 1382)، «سفر در عرفان» نوشته اکرم علی بخشی (دانشگاه شهید باهنر کرمان 1387) و «سیر آفاق و انفس در مثنوی مولوی» نوشته علیرضا خادم الفقرا

(دانشگاه شهید بهشتی 1380) اشاره کرد که همگی به بررسی سفرهای ظاهری در عرفان و تصوف اختصاص دارند .

اما در مورد سیر انفس و سفر نفسانی با توجه به اینکه اصل و اساس عرفان و تصوف را تشکیل می‌دهد ، پژوهش‌های بسیار گسترده‌تری صورت گرفته است که جنبه‌های مختلف سیر انفس را شامل می‌شود . از میان پژوهش‌های مختلف انجام گرفته در این زمینه آنچه بیشتر به موضوع و مباحث این رساله مربوط می‌شود ، آن دسته از آثار هستند که به بررسی آثار تمثیلی و رمزی عرفانی پرداخته‌اند البته آن دسته از آثار تمثیلی و رمزی که بن‌مایه اصلی آنها سفر است و مراحل تکامل نفسانی و سیر الی الله را در قالب یک سفر تخیلی به تصویر کشیده‌اند .

رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی و عقل سرخ ، نوشته دکتر تقی پورنامداریان ، از بهترین آثار در این زمینه محسوب می‌شوند که به بررسی جوانب مختلف داستان‌های رمزی و تمثیلی ابن سینا و سهروردی می‌پردازند .

از دیگر آثار پژوهشی در این زمینه می‌توان از پایان نامه تحصیلی تحت عنوان « معراج و معراج - نامه‌ها در ادب عرفانی » به راهنمایی محمد یوسف نیری نام برد که در سال 1373 در دانشگاه شیراز نگاشته شده است . این رساله ابتدا به بررسی عروج پیامبر اکرم (ص) از دیدگاه تعدادی از تفاسیر مشهور پرداخته ، سپس تعدادی از معراج نامه‌های پارسی ذکر شده و نمونه‌هایی از معراجیه‌های ادبی پارسی و نیز ادبیات پراکنده‌ای که در این خصوص سروده شده ، معرفی شده . در بخش نهایی رساله که عنوان معراج عام و سلوک الی الله را دارد با الهام از کتب مختلف عرفانی و ادبی به بحث و بررسی سلوک عارفان و ارتباط آن با معراج محمدی (ص) و فیوضاتی که از آن سفر ملکوتی بر جان سالک باریده پرداخته شده است .

پایان نامه کارشناسی ارشد زهرا یکتای مقدم با نام « نقد و بررسی جنبه‌های داستانی سفرنامه‌های معنوی » در سال 1388 نیز به بررسی این دسته از آثار تمثیلی و رمزی عرفانی اختصاص دارد . وی در این پژوهش تلاش کرده درون‌مایه‌های این آثار را از دید اسطوره شناسی و سیر تاریخی نحوه برخورد انسان با مسئله مرگ و جهان دیگر بررسی کند .

از دیگر آثار پژوهشی در این زمینه « سیری در معراج نامه‌های منظوم » ، پایان نامه کارشناسی ارشد یدالله طوری ، دانشجوی دانشگاه تربیت معلم است که در سال 1370 نگاشته شده است .

به هر روی با توجه به اهمیت و جایگاه خاص سفر در سنت‌های صوفیانه ، به نظر می‌رسد که هنوز جای تحقیق‌های جدی‌تر در این زمینه خالی است . رساله حاضر را می‌توان در زمره یکی از